



دانشگاه یزد
دانشکدهٔ زبان و ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
زبان و ادبیات فارسی

بررسی زبان روایت در داستان‌های امیرارسلان و حسین کرد شبستری

استاد راهنما:

یدالله جلالی پندری

استاد مشاور:

مهدی ملک‌ثابت

پژوهش و نگارش:

مریم رحمانیان کوشکی

اسفندماه ۹۲

پیشکش بہ

ارادہ استوار و اسطورہ پر معنای حیات، پدرم

و نگاہ های آسمانی و مملو از مهر و عطوفت مادرم،

آنمان کہ پر تو تابناک وجودشان فرصت شکستیم داد و وجود کریشان آرامش را میمان دلم کرد و ہمہ زندگیم را مدیون زحمت بی شبانہ آن مان

ہستم.

بہ ہمسرم، آن ہمچہ میان صبور، بہ پاس ہمساری نا و بہدلی های بی دینش، کہ با گذشت و فداکاری، پیشرفت در راہ علم را برایم میسر

خواہد نمود.

و بہ خواہر و برادران خوبم، ہمراہان ہمیشگی و پشتوانہ های زندگیم کہ در سایہ یاری شان، شادمانہ زیستن را تجربہ کردم.

پاس نامہ

خداوند یکتای بی ہمتا را ساکنزارم کہ توفیقم داد تا ہا توان اندک خود بہ اندیشہ خدمتی دیگر در عرصہ بی کران زبان و ادب فارسی، کام برداشتم و بہ سکرانہ این

تحقیق ناچیز، سر سگبر آستان حضرتش فرود آوردم.

اینک که به لطف خداوند بخارش این رساله پایان یافت، بر خود واجب می‌دانم از بزرگوارانی که حرکت به گونای مراد توین آن یاری نموده اند، شکر و قدردانی کنم؛ پیش از همه باید از استاد فرزانه جناب آقای دکتریدانم جلالی پندری یاد کنم که درس های شیرین و حضور در کلاس های ایشان، شوق بخارش این پژوهش را برانگیخت و با نهایت لطف و بزرگواری، افتخار راهنمایی این رساله را بر من بخشیده و در تمام مراحل با صبر و حوصله و راهنموده های ارزنده، سیمانه مراد "رفع مشکلات گوناگون" و در به ثمر دادن این کار دشوار، یاری رسانند. هم چنین از جناب آقای دکتر مهدی ملک ثابت که با بزرگواری زحمت مشاوره این رساله را عمده دار شدند و راهنمایی ها و نظرات دقیق و سودمندشان راه گشای کار من بود، نهایت سپاس و امتنان را دارم.

و در آخر، با سپاس از تمام کسانی که خواندن، نوشتن، اندیشیدن و عشق ورزیدن به خوبی ها را بر من آموختند.

چکیده

قصه های عامیانه شاخه ای از ادبیات داستانی است که در اصل روایت حیات اجتماعی هر ملت و نمودار شیوه تفکر و چگونگی نگرش آن جامعه به جهان هستی است که به انعکاس ویژگی های فرهنگی، جامعه شناسی و روان شناسی آن جامعه می پردازد.

از میانه قرن سیزدهم هجری، به سبب برخی از اقدامات، تغییرات و تحولات در ساختار و اصول ادبیات و نثر فارسی و داستان نویسی، بسیاری از آثار و داستان ها به سبک عامیانه و تحت تأثیر سنت نقالی و بر پایه ادبیات شفاهی، ایجاد گردید. از جمله مهم ترین و بارزترین این آثار، داستان «امیرارسلان» و تحریر تازه «حسین کرد شبستری» است که هر دو بر سنت قصه نویسی قدیم ایران تکیه داشتند.

داستان امیرارسلان به گزارش نقیب الممالک و نویسندگی فخرالدوله در سال ۱۲۹۸ ه.ق و حسین کرد شبستری توسط نویسندگانی نامعلوم در سال ۱۲۵۵ ه.ق آفریده و کتابت شده اند. این دو داستان محصول سنت نقالی و ادبیات شفاهی بوده که با حضور مستقیم مؤلف و مخاطب و هم چنین براساس اصول ذکر شده، شکل گرفته اند. زبان روایت در این دو اثر برگرفته شده از زبان

عامیانه است که در پی آن شاهد بسیاری از اصطلاحات و مفاهیم عامیانه، اغراق‌ها، گزاره‌های قالبی، اشعار، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌های موجود در روزگار پیدایش این‌دو روایت هستیم.

ساختار اصلی روایت در این‌دو داستان بر پایه حضور و وجود «راوی سوم شخص» و از جایگاه «دانای کل» که «راوی نقال» نیز نامیده می‌شود شکل گرفته است. این موضوع همراه با دخالت در عرصه روایات و موضع‌گیری نسبت به شخصیت‌ها و بیان نظرات، بر دیگر موارد و عناصر روایی مانند توصیف، شخصیت‌پردازی، خطاب و همچنین در ایجاد تعلیق و هیجان و وقفه و شتاب در این‌دو روایت، تأثیر بسیاری گذاشته است. این موارد همراه با حضور و اجرای مستقیم و بدون واسطه نقال یا راوی با ارائه حرکات و حالاتی خاص در هنگام نقل و روایت، همراه با به کارگیری دیگر عناصر روایی، به آن‌ها حالت و شیوه‌ای نمایش‌گری و دراماتیک بخشیده است.

از آن‌جا که مطالعه دقیق عناصر سازنده یک روایت و باز نمود قوانین حاکم بر آن، ما را در شناخت بهتر روابط درونی عناصر روایی یاری می‌دهد، در این تحقیق نشان داده‌ایم که چگونه این دو نویسنده از امکانات و ظرفیت‌های روایی- ادبی در اثر خود بهره برده‌اند. توصیف در این‌دو روایت با استفاده از شیوه تلخیص در خدمت مضمون و محتوای عاشقانه- عیارانه شکل گرفته است. گفتگوهای زنده و مستقیم از جایگاه راوی و قهرمانان، در نمایشی شدن این‌دو روایت نقش عمده‌ای داشته است. عنصر صحنه زمان و مکان نیمه‌واقعی، نامشخص قراردادی هستند و نویسندگان به شخصیت‌پردازی توجه چندانی نشان نداده‌اند. خطاب، انتظارآفرینی و هیجان‌آفرینی هر کدام در جریان تألیف و نحوه پیشبرد روایت در این‌دو داستان، از جایگاه خاصی برخوردار هستند. کاربرد آرایه‌ها و صنایع لفظی و معنوی در این دو اثر، هنرمندانه و در خدمت متن و متناسب با ساختار روایت‌ها، باعث ایجاد تصویرسازی و القای بهتر مفاهیم به ذهن خوانندگان گشته است.

کلمات کلیدی:

فارسی : روایت، داستان‌های عامیانه، امیرارسلان، حسین کرد شبستری، نقیب الممالک

انگلیسی:

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول: مبادی تحقیق.....
۲.....	۱-۱ تعریف موضوع (تعریف مسأله، هدف از اجرا و کاربرد نتایج تحقیق):
۳.....	۲-۱ سابقه تحقیق
۶.....	۳-۱ سؤالات پژوهشی
۷.....	۴-۱ روش تحقیق
۸.....	فصل دوم: قصه‌های عامیانه
۹.....	۱-۲ مقدمه
۱۲.....	۲-۱-۲ اهمیت ادبیات و قصه‌های عامیانه
۱۷.....	۳-۱-۲ کارکردهای قصه و داستان‌های عامیانه
۱۸.....	۴-۱-۲ منشأ قصه‌های عامیانه
۲۳.....	۵-۱-۲ اهداف قصه‌های عامیانه

- ۲-۲ حکایت ۲۵
- ۱-۲-۲ تفاوت قصه با حکایت ۲۸
- ۳-۲ قصه ۳۰
- ۱-۳-۲ زبان گفتاری یا محاوره‌ای در قصه ۳۴
- ۲-۳-۲ خصوصیات و ویژگی‌های قصه‌های عامیانه ۳۷
- ۳-۳-۲ رده‌بندی قصه‌های عامیانه ۳۹
- ۴-۲ داستان ۴۳
- ۱-۴-۲ تاریخچه داستان ۴۴
- ۴-۳-۲ قصه‌های شفاهی و مکتوب ۴۵
- ۵-۳-۲ داستان‌سرایی یا قصه‌گویی ۴۷
- ۶-۳-۲ سنت نقل و نقالی ۴۸
- ۷-۳-۲ قصه‌های عامیانه قبل از دوره قاجار ۵۲
- ۱-۷-۳-۲ سندبادنامه ۵۲
- ۲-۷-۳-۲ اسکندرنامه ۵۳
- ۳-۷-۳-۲ ابومسلم‌نامه ۵۶
- ۴-۷-۳-۲ سمک عیار ۵۸
- ۵-۷-۳-۲ داراب‌نامه ۶۰
- ۶-۷-۳-۲ حمزه‌نامه ۶۲
- ۷-۷-۳-۲ داستان مختار ۶۴
- ۸-۷-۳-۲ طوطی‌نامه ۶۵
- ۹-۷-۳-۲ فیروزشاه‌نامه ۶۶
- ۱۰-۷-۳-۲ سلیم جواهری ۶۷
- ۱۱-۷-۳-۲ حسین کرد شبستری ۶۹

- ۷۲ ۱-۱۱-۷-۳-۲ نویسنده داستان
- ۷۳ ۲-۱۱-۷-۳-۲ زمان تحریر داستان
- ۷۵ ۳-۱۱-۷-۳-۲ نسخه‌ها و چاپ‌های حسین کرد
- ۷۶ ۴-۱۱-۷-۳-۲ خلاصه داستان
- ۷۸ ۸-۳-۲ قصه‌های عامیانه دوره قاجار
- ۸۲ ۱-۸-۳-۲ هزار و یک شب
- ۸۴ ۲-۸-۳-۲ امیرارسلان نامدار
- ۸۵ ۱-۲-۸-۳-۲ نویسنده داستان
- ۸۸ ۲-۲-۸-۳-۲ تاریخ نگارش داستان
- ۸۸ ۳-۲-۸-۳-۲ خلاصه داستان
- ۸۹ ۴-۲-۸-۳-۲ نسخه‌های موجود از امیرارسلان

۹۱ فصل سوم: روایت و زبان روایت

- ۹۲ ۱-۳ روایت و زبان روایت
- ۹۵ ۲-۳ روایت‌شناسی
- ۹۷ ۳-۳ اهمیت روایت در ادبیات
- ۹۸ ۱-۳-۳ روایت در داستان
- ۱۰۰ ۲-۳-۳ روایت در قصه
- ۱۰۲ ۳-۳-۳ روایت در نقالی‌ها
- ۱۰۸ ۴-۳ راوی و زاویه دید
- ۱۱۰ ۱-۴-۳ انواع راوی
- ۱۱۰ ۲-۴-۳ راوی تلویحی
- ۱۱۱ ۳-۴-۳ راوی اول شخص

- ۱۱۱..... ۳-۴-۴ راوی سوم شخص (دانای کل)
- ۱۱۲..... ۳-۴-۵ راوی در داستان امیرارسلان و حسین کرد شبستری
- ۱۱۶..... ۳-۵ زاویه دید
- ۱۱۸..... ۳-۵-۱ زاویه دید بیرونی
- ۱۱۹..... ۳-۵-۲ زاویه دید در دو داستان
- ۱۲۲..... ۳-۶-۶ راوی در جایگاه نویسنده
- ۱۲۴..... ۳-۶-۱ توصیف
- ۱۲۹..... ۳-۶-۲ آرایش‌های بیانی
- ۱۳۱..... ۳-۶-۲-۱ اشعار
- ۱۳۶..... ۳-۶-۲-۲ ضرب‌المثل (تمثیل)
- ۱۴۰..... ۳-۶-۲-۳ الفاظ و اصطلاحات عامیانه
- ۱۴۳..... ۳-۶-۲-۴ تکیه‌کلام (گزاره‌های قالبی)
- ۱۴۷..... ۳-۶-۲-۵ تضمین‌ها و اقتباسات داستانی
- ۱۵۰..... ۳-۶-۳ خطاب
- ۱۵۴..... ۳-۶-۴ انتظارآفرینی (تعلیق)
- ۱۶۰..... ۳-۶-۵ هیجان‌آفرینی
- ۱۶۶..... ۳-۷-۷ راوی در جایگاه قهرمان قصه
- ۱۷۰..... ۳-۷-۱ حرکات و حالات نقال
- ۱۷۵..... ۳-۷-۲ گفتگوها
- ۱۷۸..... ۳-۷-۲-۱ زبان گفتگو
- ۱۸۲..... ۳-۷-۲-۲ لحن
- ۱۸۷..... فصل چهارم: روایت در دو داستان امیرارسلان و حسین کرد شبستری

۱۸۸.....	۱-۴ توصیف
۱۹۴.....	۱-۱-۴ توصیف صحنه
۱۹۶.....	۲-۱-۴ توصیف شخصیت‌ها
۱۹۸.....	۳-۱-۴ توصیف مکان‌ها
۲۰۰.....	۴-۱-۴ توصیف صحنه‌های نبرد
۲۰۲.....	۲-۴ صحنه
۲۰۸.....	۱-۲-۴ توصیف مکان
۲۱۲.....	۲-۲-۴ توصیف زمان
۲۲۲.....	۳-۴ شخصیت‌پردازی
۲۳۲.....	۱-۳-۴ قهرمان
۲۳۵.....	۱-۱-۳-۴ حرکات قهرمان
۲۴۱.....	۲-۱-۳-۴ حالات قهرمان
۲۴۴.....	۴-۴ صنایع ادبی
۲۴۶.....	۱-۴-۴ تشبیه
۲۴۸.....	۲-۴-۴ استعاره
۲۵۰.....	۳-۴-۴ کنایه
۲۵۳.....	۴-۴-۴ ایجاز و اطناب
۲۵۴.....	۵-۴-۴ تناسب و تضاد
۲۵۶.....	۶-۴-۴ اغراق
۲۵۸.....	۷-۴-۴ سجع
۲۶۱.....	۵-۴ گفتگو
۲۶۵.....	۱-۵-۴ زبان گفتگو
۲۶۹.....	۲-۵-۴ لحن

۲۷۵.....	۳-۵-۴ کلمات مطرود
۲۷۷.....	۶-۴ خطاب‌ها
۲۸۲.....	۷-۴ انتظارآفرینی
۲۸۹.....	۸-۴ هیجان‌آفرینی

فصل پنجم: دو داستان در برابر یکدیگر (تفاوت‌ها و شباهت‌ها) ۲۹۹

۳۰۲.....	۱-۵ راوی و زاویه دید
۳۰۴.....	۲-۵ توصیف
۳۰۶.....	۳-۵ صحنه (زمان و مکان)
۳۰۸.....	۴-۵ شخصیت‌پردازی
۳۱۰.....	۵-۵ گفتگوها
۳۱۳.....	۶-۵ خطاب‌ها
۳۱۴.....	۷-۵ انتظارآفرینی
۳۱۵.....	۸-۵ هیجان‌آفرینی
۳۱۶.....	۹-۵ آرایش‌های بیانی.....

فصل ششم: نتیجه‌گیری ۳۲۲

۳۲۳.....	۶ نتایج بحث
۳۳۲.....	منابع و مآخذ
۳۳۲.....	کتاب‌ها
۳۴۰.....	مقالات
۳۴۶.....	پایان‌نامه

پیشگفتار

بازگو تا قصه درمان‌ها شود

بازگو تا مرهم جان‌ها شود

مولانا (دفتر اول)

حمد و سپاس خداوندی را سزد که دل را به نور معرفت روشن ساخت و مشعل دانش فراروی انسان برافروخت تا در پرتو آن هدایت را از ضلالت بازشناسد.

«یکی بود و یکی نبود... گذشته‌های دوری بود، خیلی دور و همین آفتاب و همین مهتاب و همین بیابان‌ها بود و آسمان نیلی و پرستاره بود... و همواره نجوایی در طبیعت. و همه چیز زبان داشت، بوها و رنگ‌ها حرف می‌زدند، و آسمان و زمین به هم پیوسته بودند، و سیاه‌ها سیاه‌تر بود و سایه‌ها پررنگ‌تر و روشنی‌ها روشن‌تر...»

این شهرزاد ایران است که قصه می‌گوید، قرن‌ها و قرن‌هاست که قصه می‌گوید، برای آن که خوابش نبرد، برای آن که نمیرد، هرشب به شب دیگر می‌پیوندد و شهرزاد از نو حدیث خود را آغاز می‌کند... گوئی هرگز رشته این شب‌های افسانه‌آلود گسیخته نخواهد شد و این قصه پایان نخواهد یافت!'^۱

^۱ - محمدعلی اسلامی ندوشن، «شهرزاد قصه‌گو»، مندرج در نشریه یغما، شماره ۲۹۲، دی ماه ۱۳۵۱، ص ۵۹۲

آگاهی از داشتن شور، علاقه و جاذبه نسبت به داستان، ادبیات و قصه‌های عامیانه که از همان دوران کودکی با من همراه بوده است، مرا به انتخاب موضوعی در این راستا هدایت نمود. در آغاز ورود به مقطع کارشناسی ارشد نیز این حس با من همراه بود تا آن‌که در همان ماه‌های آغازین شروع سال تحصیلی، در کلاس مرجع‌شناسی آقای دکتر جلالی که بنا بود اولین مقاله حساب شده و علمی در دوران تحصیلم را بنگارم، این تفکر و احساس همیشگی به ذهنم خطور کرد و مرا به انتخاب موضوعی در زمینه روایت و پرداختن به آثار روایی، البته در چندی از روایات «تذکره‌الاولیا»، برانگیخت. تا آن‌که با توجه به این پیشینه و هم‌چنین با یاری، هم‌فکری و پیشنهاد آثاری از طرف ایشان، قرار بر این شد که موضوع «زبان روایت در دو داستان عامیانه و محبوب «امیرارسلان نامدار» و «حسین کرد شبستری» مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

شیوه پرداختن به این موضوع با سختی‌ها و دشواری‌هایی همراه بوده است؛ در دست نبودن منابع موجود و لازم، به خصوص کتاب‌های روایت و روایت‌شناسی و نیز وجود بیشتر کتاب‌های ترجمه که برخی از آن‌ها با پیچیدگی و دشواری خاصی همراه بود، نیاز به بررسی و تهیه بیشتر منابع را فراهم ساخت. با وجود همه این‌ها تمام تلاش و توانایی خود را برای انجام تحقیقی در خور و شایسته به خدمت گرفتم تا ان شاء الله مقبول طبع و مورد استفاده هنردوستان و جویندگان دانش این مرز و بوم قرار گیرد. امیدوارم که توانسته باشم گامی کوچک در جهت شناسایی بهتر و بیشتر آثار و داستان‌های عامیانه که به مثابه گنجینه‌های ارزشمندی از زبان و ادبیات فارسی ایران هستند، برداشته باشم.

غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقایی

شایسته است در این‌جا، دگر بار از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر یدالله جلالی، استاد برجسته گروه زبان و ادبیات فارسی، که در طی این مدت از ایشان «درس‌های بسیار» آموختم و با بزرگواری و بردباری، پیوسته به بهترین شیوه راهنمایی‌ام کرده و مرا در رفع اشکالات کار یاری رساندند، نهایت تقدیر و تشکر به عمل آورم.

از جناب آقای دکتر مهدی ملک‌ثابت نیز که زحمت مشاورهٔ پایان‌نامه را بر عهده داشته و مرا از نظرها و پیشنهادات ارزنده‌شان بهره‌مند ساختند، کمال تشکر را دارم.

نیز از ریاست ارجمند دانشکده، آقای دکتر ملک‌ثابت، مدیر گروه محترم، آقای دکتر نجاریان و نیز از استادان گرانقدر دیگرم در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد، آقایان دکتر سیدمحمود الهام‌بخش، دکتر مجید پویان و دیگر بزرگواران، که در سایه حمایت و در محضر صبور و مشوقشان دانش بسیار آموختم، صمیمانه سپاس فراوان دارم.

بار دیگر از پدرم و مادرم که تمام لحظات بودن، لذت دانستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه‌های یگانه و باشکوه زندگی‌م را مدیون حضور سبز آنها هستم، با تمام وجود سپاسگزارم؛ آنها که به بلندای عمر در پی سعادت‌م بوده‌اند و اگر نبود بردباری‌ها و تشویق‌های ایشان، این راه به پایان نمی‌آمد.

در پایان از همهٔ دوستان و عزیزانی که در این‌دوره با من بوده و مرا در نوشتن این پایان‌نامه همراهی کرده‌اند، کمال تشکر را دارم.

مریم رحمانیان کوشکی

بهمن ۹۲

فصل اول

مبادی تحقیق

۱-۱ تعریف موضوع (تعریف مسأله، هدف از اجرا و کاربرد نتایج تحقیق):

داستان امیرارسلان (۱۲۹۸ ه.ق) جزو مشهورترین قصه‌های عامیانه و محبوب‌ترین آن‌ها به شمار می‌آید. علت این شهرت و محبوبیت را می‌توان مربوط به نقیب الممالک، آفریننده این اثر دانست که به علت دارا بودن منصب نقالی دربار و شناخت انواع داستان‌های عامیانه و نیز به مدد استعداد و قدرت تخیل خود، دست به آفرینش اثری می‌زند که با وجود آن که برخلاف دیگر آثار ماندگار، مدت زمان زیادی از نگارش آن نمی‌گذرد، به مرتبه قبول عام دست یافته است. داستان امیرارسلان را می‌توان از نوع رمانس (روایت داستانی بلندی که تحول و رشد اجتماعی و اخلاقی یک قهرمان را از نوجوانی تا بلوغ توصیف می‌کند) و نوعی قصه خیالی با محتوای ماجراجویانه-عشقی به شمار آورد که در آن، حوادث حول محور شخصیت اصلی داستان یعنی امیرارسلان و دیگر شخصیت‌های فرعی جریان می‌یابد.

قصه حسین کرد شبستری موسوم به «حسین نامه» نیز داستانی مشهور به سبک نقالی با محتوای واقعی است که در اواخر دوره صفویان به دست مؤلفی نامعلوم نگاشته شده است. این اثر به دلیل داشتن زمینه و پیشینه تاریخی و جغرافیایی معین، نسبت به دیگر داستان‌های عامیانه از

امتیاز ویژه‌ای برخوردار است. علت جذابیت این قصه را در گرو خصوصیات زبانی و محتوای عیاری، پهلوانی، وطن دوستی و مذهبی آن دانسته‌اند. محتوای اصلی کتاب را می‌توان در اقدامات شاه عباس صفوی، مسائل مربوط به دوران سلطنت وی و کارهای عیاران و جوانمردان خلاصه نمود.

در داستان‌ها و قصه‌های عامیانه مانند اکثر روایات داستانی، مشخصه‌ها و ویژگی‌های مشترکی دیده می‌شود که این ویژگی‌ها پایه و شالوده تمام روایات و داستان‌ها را تشکیل می‌دهند؛ از جمله این موارد که در داستان امیرارسلان و حسین کرد شبستری به چشم می‌خورد می‌توان به عنصر گفتگو، حضور گوینده یا راوی در فضای داستان و تناسب زبان راوی با شخصیت‌ها، ابتکار در نوع روایت‌ها و به وجود آمدن وقفه و جابجایی در روند داستان اشاره نمود. کانون سازی یا دیدگاه انتخاب شده در داستان‌ها که شامل توصیف وقایع و شخصیت‌ها و انواع زاویه دید می‌شود، اتخاذ روش‌های مختلف روایتگری، تعلیق و تحیر در دو اثر نیز از دیگر جنبه‌های زبان روایت است.

بنابراین کوشش می‌شود تا از میان موارد مزبور آنچه مربوط به عنصر روایت است از جمله حضور گوینده یا راوی و تناسب زبان آن در جمله و با شخصیت‌ها، کانون سازی یا دیدگاه برگزیده در دو داستان امیرارسلان و حسین کرد شبستری بررسی شود.

نخستین هدف از این پژوهش بررسی جایگاه دو داستان امیرارسلان و حسین کرد شبستری در بین داستان‌های عامیانه فارسی است و سپس به دلیل شباهتی که از نظر فرم و ساختار بر فضای دو اثر حاکم است، به بررسی عنصر روایت در آن‌ها پرداخته می‌شود. هدف دیگر این پژوهش دستیابی به این موضوع است که با توجه به محتوا و زمان تألیف، میان این دو داستان از نظر عنصر روایت و گفتگو چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد.

یافته‌های این پژوهش برای مراکز تحقیق مرتبط با ادبیات فارسی، پژوهشگران حوزه‌های نقد ادبی، ادبیات داستانی و ادبیات عامیانه و همچنین دانشجویان و علاقه‌مندان ادبیات داستانی، می‌تواند مفید باشد.

محمدجعفر محجوب در مقدمه کتاب «امیرارسلان نوشته نقیب الممالک» (۱۳۴۰)، پیش از هر چیز مبحثی را به آفریننده این اثر، نقیب الممالک و کاتب آن فخرالدوله دختر ناصرالدین شاه و چگونگی شیوه کار آنها اختصاص می‌دهد. پس از آن به معرفی کتاب و برشمردن امتیازات آن نسبت به دیگر داستان‌های عامیانه، تا جایی که باعث می‌شود آن را مظهر داستان‌های عامیانه بنامند، می‌پردازد.

محمدجعفر محجوب در مقاله‌ای نیز تحت عنوان «مطالعه در داستان‌های عامیانه فارسی» (۱۳۴۱)، علت اهمیت و فایده بررسی افسانه را در زندگی انسان بیان کرده و پس از ارائه تعریف دقیقی از داستان‌های عامیانه به بررسی مواردی چون منابع قصه‌های عامیانه، اهمیت نقلی در پیش بردن فن قصه‌نویسی، کیفیت نسخه‌های داستان‌های عامیانه و تیپ و شخصیت در این گونه داستان‌ها می‌پردازد.

غلامحسین یوسفی در کتاب «دیداری با اهل قلم» (۱۳۵۸-۱۳۵۷)، فصلی با عنوان «افسانه‌ای شیرین» را به معرفی داستان امیرارسلان اختصاص داده است. وی پس از معرفی نقیب الممالک مؤلف اثر، علت کیفیت و گیرایی داستان را که باعث تمایز آن از دیگر داستان‌های عامیانه شده است، ذکر می‌کند و به بررسی داستان از نظر روح و ساختار می‌پردازد.

پژوی چیپک در مقاله «درآمدی بر قصه‌های عامیانه فارسی» (۱۳۷۷) ترجمه یعقوب آژند، نخست گزارشی را درباره آداب و رسوم مربوط به نقلی و قصه خوانی بیان می‌کند و پس از آن، به ذکر فلسفه زندگی موجود در قصه‌های عامیانه و دلیل مقدس بودن بعضی از امور در قصه‌ها می‌پردازد. (ص ۷۵)

محمدرضا شمس در مقاله «بررسی چهار قصه عامیانه ایرانی» (۱۳۸۰)، درباره سنت قصه گویی در ایران و اهداف آن سخن گفته است و چهار داستان برزوی شیردل، حمزه نامه، حسین کرد شبستری و امیرارسلان نامدار را از لحاظ زبان نثر، ریشه و خاستگاه اصلی و شخصیت‌های آن بررسی کرده است. پس از آن به پاره‌ای از عوامل نوگرایی در داستان امیرارسلان اشاره می‌کند.

(ص ۳۲)

محمدجعفر محبوب همچنین در کتاب دیگری با عنوان «ادبیات عامیانه ایران» (۱۳۸۲)، ضمن مقالاتی که در زمینه ادبیات و فرهنگ عامیانه ایران، افسانه، آداب و رسوم و آیین‌ها آورده، به بررسی بیشتر داستان‌های عامیانه از جمله امیرارسلان پرداخته است. مجموعه مقالات وی سال‌ها پس از مرگش به کوشش حسن ذوالفقاری جمع‌آوری و مدون شده است.

مهران افشاری در مقدمه کتاب «قصه حسین کرد شبستری» (۱۳۸۵)، پس از ارائه بحثی درباره ریشه تاریخی نام شخصیت اول داستان (حسین کرد)، درباره تاریخ تألیف، نسخه‌ها و چاپ‌های مختلف، انواع نسخه‌های خطی بجا مانده از روایت، سبک و سیاق و مختصات زبانی کتاب، تحقیق کرده است.

الهام محمدی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی ساختاری رمان واره‌های پارسی کهن (داراب‌نامه، طوطی‌نامه، سمک عیار و امیرارسلان)» (۱۳۸۶) که در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز و به راهنمایی پروین سلاجقه انجام گرفته است، پس از ذکر خلاصه متن داستان‌ها، ساختار روایی آن‌ها را مطابق با نظر ولادیمیر پراپ و کلود برمون بررسی کرده و میان آن‌ها مقایسه‌ای انجام داده است.

علیرضا ذکاوتی قراگزلو در کتاب «قصه‌های عامیانه ایرانی» (۱۳۸۷)، پاره‌ای از داستان‌های عامیانه را از نگاه علمی و انتقادی بررسی کرده و بخشی را به سرگذشت صوفیان در داستان‌های عامیانه اختصاص داده است. نویسنده در فصلی دیگر، درباره داستان حسین کرد شبستری و علت محبوبیت آن سخن می‌گوید و جوه تفاوت آن را در دو تحریر مختلف آن ذکر می‌کند. (ص ۶۱-۶۳)

ایرج بهرامی نیز در کتاب «قصه عاشقان قدیمی» (۱۳۸۷)، درباره مسائل قصه عامیانه از جمله خاستگاه اجتماعی، زمان پیدایش و ساختار آن‌ها سخن می‌گوید و در بخشی دیگر، ضمن بحث درباره سابقه و ریشه‌دار بودن نقالی و قصه‌گویی در ایران، به تأثیرگذاری این سنت در آثار نویسندگان معاصر اشاره می‌کند.

پگاه خدیش در مقاله‌ای با عنوان «نظام‌های رده‌بندی قصه‌های عامیانه» (۱۳۸۷)، پس از تعریف قصه و ارائه شیوه‌های طبقه‌بندی که توسط محققان ایرانی و خارجی صورت گرفته است،

به تقسیم بندی دیگری، که در آن علاوه بر موضوع و مضمون، به شکل قصه و عکس‌العملی که از خواننده در هنگام شنیدن آن صادر می‌شود نیز، توجه نشان داده است.

هادی یآوری در مقاله «گزاره های قالبی در قصه امیرارسلان» (۱۳۸۸)، علت بسامد زیاد گزاره‌های قالبی در قصه امیرارسلان را در عواملی چون تأثیر بافت گفتاری روایت، سنت ادبی و نقالی، مخاطب، کاتب و زمینه اجتماعی اثر دانسته و به تحلیل این گزاره‌ها با زیر مجموعه‌هایشان پرداخته است.

همچنین علیرضا حاجیان نژاد در مقاله «تحلیلی ساختگرایانه بر قصه امیرارسلان» (۱۳۸۹)، ساختار روایی امیرارسلان را از نظر شیوه روایتگری، ساختار نحوی، زاویه دید و کنشگرها بررسی می‌کند و پس از آن به شباهت و تفاوت‌های این داستان با دیگر داستان‌های بلند عامیانه از جمله «قصه حسین کرد شبستری»، می‌پردازد. (ص ۴۸)

هادی یآوری در کتاب «از قصه به رمان» (۱۳۹۰)، دوران مشروطه را دوره گذار فرهنگی جامعه ایران می‌داند و بر این باور است که کتاب امیرارسلان به عنوان آخرین رمانس عامیانه، به دلیل خصوصیات خاص روایی، زبانی و محتوایی (بن مایه)، تا آن اندازه دچار دگرگونی شده است که نسل‌های بعدی عنوان رمان را به آن داده‌اند. (ص ۱۱۷)

زهرا دهقان دهنوی نیز در مقاله «بررسی عنصر روایت در قصه حسین کرد شبستری» (۱۳۹۰)، پس از توضیحی درباره محتوای قصه، فنون و زبان روایی، نوع روایت و زاویه دید داستان را بررسی می‌کند و علت ارتباط و ریشه داشتن داستان در روایات شفاهی و سنت نقالی را بیان می‌کند.

۱-۳ سؤالات پژوهشی:

۱- داستان‌های امیرارسلان و حسین کرد شبستری در میان داستان‌های عامیانه فارسی چه جایگاهی دارند؟

۲- عنصر روایت در دو داستان امیرارسلان و حسین کرد شبستری از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

۳- عنصر روایت در داستان‌های امیرارسلان و حسین کرد شبستری با توجه به محتوا و زمان

تألیف، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد؟

۴-۱ روش تحقیق

این پایان نامه از نوع بنیادی است که به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از شیوه تحلیل-توصیفی انجام می‌گیرد. برای این منظور نخست براساس مطالعات صورت گرفته طرح تفصیلی پژوهش تهیه می‌شود. آنگاه با مراجعه به منابع مربوط به داستان نویسی و زبان روایت در داستان‌ها، موارد لازم بررسی می‌شود و پس از آن با مطالعه دقیق داستان‌های «امیرارسلان و حسین کرد شبستری»، نکات مربوط به زبان روایت، یادداشت‌برداری می‌گردد و سرانجام با دسته‌بندی اطلاعات گردآوری‌شده، یافته‌ها تحلیل و به نگارش فصل‌ها پرداخته می‌شود.